

پاسخ به هفت شبهه انتخاباتی

هادی قطبی

معمولا با نزدیک شدن ایام انتخابات، سوالات مختلفی از اعتراض به اصل نظام گرفته تا شخص کاندیداها در ذهن عده ای خودنمایی می کند. در این نوشتار هفت شبهه و سوال انتخاباتی که در دوره های اخیر انتخابات مطرح شده و توسط برخی شبکه های ماهواره ای تقویت می شوند، مطرح کرده و پاسخ می دهیم. شبهات مطرح شده عبارتند از:

- انتخابات در نظامی که ولایت فقیه دارد چه معنی دارد؟ چرا رهبر رئیس جمهور را انتخاب نمی کند؟
- با انتخاب خود، شریک گناه آن مسئول می شویم. پس شرکت نمی کنیم.
- در انتخابات شرکت می کنیم اما رای سفید می دهیم، چون نمی دانیم کدامشان مفیدند!
- چرا رای بدهم وقتی کاری نمی کنند و همه شان خرابکار از آب در می آیند! به خصوص در وضع اقتصادی کسی کاری نمی کند.
- چرا باید به اصلح رای داد وقتی شورای نگهبان همه را تایید کرده است؟
- چرا رهبر انقلاب می گویند حتی مخالفان هم رای بدهند؟ این نشانه ضعف نظام نیست؟
- نظام، رئیس جمهور را از قبل مشخص کرده و انتخابات فقط نمایش سیاسی برای نظام است. دیگر چرا رای بدهیم!

شبهه اول:

نظام ولایت مطلقه فقیه و انتخابات؟ یعنی چه؟ نظام رهبر دارد و هر جور صلاح می داند افراد را سر کار بیاورد! چرا دیگر رای بدهیم و انتخابات برگزار کنیم و اینهمه وقت و بودجه صرف کنیم؟

این سخن شبیه آن نظریه ایست که می گوید چرا رهبری جلوی فلان نماینده و وزیر و رئیس جمهوری را نمی گیرد؟ همچنان که برخی می گویند چرا پیامبر اکرم(ص) یا امام علی(ع) جلوی منافقین را نگرفت و آنها را به مردم معرفی نکرد تا شرشان از جامعه کم شود! و مگر ولایت، «مطلقه» نیست؟ اینان از به کار بردن واژه «استبداد» و «دیکتاتوری» هراس دارند و پرهیز می کنند. اما در واقع منظورشان همین است. حال پاسخ چیست؟

طرح این سوالات ناشی از بینش اعتقادی و نگرش فرد است. وقتی ما فهم درستی از ولایت و رهبری و امامت نداشته باشیم، همین گونه فکر می کنیم و مسئول همه چیز را رهبر جامعه می دانیم. با این نگاه، العیاذ بالله به خداوند هم می توان اعتراض کرد. چون او هم می توانست شیطان را نیافریند! یا اگر آفرید، هنگام تمرد و خطا، او را نابود کند تا این مفاسد و گمراهی ها به وجود نیاید و همه بهشت بروند! اصلا خداوند مسئول همه مشکلات و مفاسد و دزدی ها و ظلم و جنایت های بشریت است! چون آنها را آفریده و جلویشان را نمی گیرد!

پاسخ اصلی آن است که نه خدا، نه پیامبر، نه امام معصوم و نه نائب امام در زمان غیبت، هیچ وقت افراد را مجبور به انجام یا ترک کاری نمی کنند. انسان ها عقل و اختیار و اراده دارند و باید خود مسیر بهشت و جهنمشان را انتخاب کنند. این سنت الهی است و نام این سنت در قرآن «آزمایش و امتحان» است: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ»^۱ یا می فرماید: «نَبْلُوَكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً»^۲.

این آزمایش در دو عرصه اتفاق می افتد: فردی و اجتماعی. عرصه فردی، یعنی همان دو راهی های زندگی و اراده و تصمیمی که برای انتخاب مسیر خوب و بد، یا خوب و خوب تر، یا بد و بدتر صورت می دهیم. آزمایش اجتماعی، همان آزمایش ملت ها و امت هاست. امتحانی که خداوند با به وجود آوردن شرایطی، از گروهی از مردم در دو راهی ها و چند راهی ها می گیرد. در روزگار ما، یکی از عرصه های آزمایش، همین انتخابات سیاسی است که بهترین مظهر مردمسالاری دینی است. البته تا زمانی که مردم به بلوغ عقلی و ایمانی برسند و خود با اختیار خودشان تمام امور را به دست امامشان سپارند؛ که شاید تا روز قیامت جز در عده ای از مردم محقق نشود. در شرایط فعلی که مردم نظام شاهنشاهی را سرنگون کردند و نظام اسلامی را به رهبری امام خمینی (ره) ایجاد کرده اند، باید امتحان خود را نیز پس بدهند. درست مانند زمانی که قرآن می فرماید: ستمگران پیشین از بین رفتند و حکومت و زمانه به دست شما افتاد تا خداوند ببیند شما هنری دارید؟ «ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ»^۳

مشابه این آیه در سوره اعراف نیز آمده، اما با یک اضافه ای که حرف دل امروز بسیاری از مردم است. وقتی بنی اسرائیل از فرعونیان نجات یافتند، مشکلاتشان هنوز برقرار بود و دچار سختی و قحطی بودند. به حضرت موسی (ع) گفتند: «أَوْذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا» پاسخ خداوند این بود: همه امتحان است که خدا ببیند شما چه می کنید؟ «قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوُّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ»^۴.

بنابراین لازمه اختیار و انتخاب و اراده انسان این است که در شرایط مختلف قرار بگیرد تا قدرت انتخاب داشته باشد و سرنوشت خودش را خودش رقم بزند. متنها در مسایل اجتماعی، سرنوشت ملت و جامعه را همگان رقم نمی زنند، بلکه واجدین شرایط رقم می زنند و برای بقیه تصمیم می گیرند. این از آفات دموکراسی است اما ظاهرا راه بهتری در زمان غیبت امام معصوم (ع) وجود ندارد. تصمیم گیری به دست مردم عاقل و بالغ، بهتر از تصمیم گیری عده ای خاص یا یک نفر خاص برای همه مردم جامعه است.

۱. سوره ملک، آیه ۲.

۲. سوره انبیاء، آیه ۳۵.

۳. سوره یونس، آیه ۱۴.

۴. سوره اعراف، آیه ۱۲۹.

نکته بعدی اینکه برای سعادت یک جامعه نیاز به رهبر، قانون و مجری مناسب داریم. در ایران اسلامی، مردم به قانون رای دادند و نظامی را پذیرفته اند که بر مبنای اسلام اداره شود. رهبر و امام جامعه دارای شرایط خاص و زیر نظر خبرگان با مکانیزمی که فرصت بیانش نیست، جامعه را رهبری و مدیریت می کند. رهبر انقلاب حضرت امام(ره) و پس از آن مقام معظم رهبری هستند که هر چه می گذرد بر ایمان و اعتقاد دوست و دشمن بر شایستگی و لیاقت ایشان بیشتر می شود. قانون نیز تحت نظر اسلام شناسان وقت تنظیم و مورد تجدید نظر قرار گرفته و در صورت ضرورت و در مواردی جزئی با نظر شورای نگهبان تغییر یافته و می یابد. عمده مشکل بر سر اجرای قانون است؛ که رئیس جمهور کشور عهده دار آن است و طبق قانون با اختیاراتی که دارد می تواند آن را اجرا کند. بنابراین نباید با کلی گویی های بی اساس، اصل نظام و رهبری را به خاطر اشتباه مجریان مورد هجوم قرار داد.

با این مقدمه، شرکت در انتخابات و رای دادن هم حق ماست، چون اقتضای آزادی و اختیار بشریت است؛ و هم تکلیف ماست، چون آزمایش الهی و سیاسی است و نباید مردود شد. این حق و تکلیف شامل رهبر و ولی جامعه نیز می شود. به همین دلیل او نیز یک رای دارد و نمی تواند برای دیگران تصمیم گیری کند. انتخاب با خود مردم است. هر چه آنها خواستند، رهبری معظم نیز محترم می شمردند و اگر مشکلی پیش نیاید، آن را امضاء می کنند و انتخابات و انتخاب مردم توسط ولی فقیه، تایید می شود.

شبهه دوم:

برخی می گویند ما با انتخاب خود شریک گناهان و تقصیرات آن مسئول می شویم. لذا از اول شریک جرم نمی شویم!

به بیانی، این سخن صحیح است؛ و آن در صورتی است که شما کوتاهی کنید و تلاش خود را برای شناخت اصلح به کار نگیرید. اگر تلاش کردید و به نتیجه رسیدید، همان برای شما ماجور است و کوتاهی ها و کم کاری های فرد انتخاب شده، اگر رای بیاورد، به گردن شما نمی افتد. چون شما به خاطر این کارهای ناشایست به او رای ندادید. اما برخی هستند، با نیت ناصحیحی به شخص خاصی رای می دهند، که در این صورت در تمام اعمال آن فرد مسئول شریک خواهند بود.

برعکس این مطلب نیز صادق است. یعنی اگر چنانچه فرد مسئول خدمات اجتماعی خوبی داشته باشد و مورد رضایت امام و رهبر جامعه باشد، شما در تمام آن کارها و خدمات شریک خواهید بود و از پاداش و ثوابش بهره می برید چون شما در انتخاب او سهم داشته اید. حالا اگر علاوه بر خورد، روشنگری کردید و دیگران را نیز به فرد مورد نظر هدایت کردید و رای او را زیاد کردید، ثواب آنها را نیز می برید. هر کس بیشتر تلاش کند، بیشتر ثواب می برد؛ چراکه خداوند به تلاش ها پاداش می دهد: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^۵ و به همین دلیل اگر فرد مورد نظر شما رای هم نیاورد، باز تلاشتان ماجور است و نزد خدا هدر نرفته است.

بنابراین با این نگاه، ما مسئول قصور و تقصیرمان در انتخاب فرد و رای دادن به افراد هستیم و اگر چنانچه آن مسئول گناهی در حق مردم و جامعه مرتکب شود، ما نیز مسئول می شویم. همه اینها در صورتی است که در وظیفه خود که تشخیص اصلح باشد کوتاهی کرده باشیم.

شبهه سوم:

ما رای سفید می دهیم چون واقعا نمی دانیم کدامیک راست و دروغ می گویند؟ در ضمن سخن رهبری را هم اطاعت کرده ایم!

شرکت در اصل انتخابات یک وظیفه و تکلیف شرعی است و این مساله شرعی، از سوی بسیاری از مراجع بارها بیان شده است. مقام معظم رهبری نیز در اهمیت این مساله فرمودند: انتخابات ليله القدر نظام است^۶ چون سرنوشت انقلاب و دیگران را در مقطعی از زمان، همین رای دهندگان رقم می زنند. مبنای انتخابات در نظام ما این آیه شریفه است که سرنوشت مردم را به دست خودشان می داند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۷. و این یک سنت دیگر الهی است. البته برگزاری انتخابات نیز نوعی مشورت با مردم است که در قرآن شریف نیز به آن دستور داده شده است: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»^۸ بنابراین مساله انتخابات، بسیار مهم است.

ما در بحث «آزمایش» یادآور شدیم که بالاخره در این دو راهی ها، باید راهی را انتخاب کنم که به نفع انقلاب و نظام اسلامی تمام شود. اگر چنین کردیم، انجام وظیفه شرعی شده و ارزش همین یک رای و معطل شدن در صف رای و قدم هایی که برداشته می شود، همه از اعمال مستحبی حتی نماز اول وقت و نماز شب و دعای کمیل و ندبه، بالاتر است. چون شرکت در انتخابات به حکم و امر ولی امر مسلمین وظیفه و واجب شرعی است،^۹ اما آن اعمال هر چه ارزشمند هم باشد، مستحب است. بنابراین اگر همین انتخاب کردن و رای دادن، برای تقویت نظام اسلامی، مخالفت با دشمنان نظام و اطاعت از رهبر نظام باشد، با نیت الهی صورت گرفته و دارای ثواب و اجر است. اما اگر در انتخاب یا در تشخیص اصلح کوتاهی کنیم، قطعاً مواخذه می شویم.

رای سفید، کمتر از رای باطله و رای ندادن نیست؛ چون تاثیری در آراء کاندیداها ندارد. رای سفید، نوعی دوگانگی در گفتار و عمل است. رای دادن، یعنی نظام را قبول دارم؛ سفید دادن یعنی هیچ کدام از این افرادی را که نظام تایید کرده، قبول ندارم!! مانند آنکه بگوییم امام علی(ع) را قبول دارم، اما حرفهایش را قبول ندارم! مثل امروز که بسیاری افراد در مسئولیت های مختلف، نظام و امام و رهبری را قبول دارند، اما برخلاف نظام و امام و رهبری عمل می کنند و حتی حرف می زنند! یعنی حتی در حرف

۶. «مثل ليله القدر که هر سال، ليله القدر برای انسان سرنوشت ساز است، هنگام انتخابات هم برای یک ملت، برای یک دوره ای برای برهه ای سرنوشت ساز است»؛ بیانات در مصاحبه انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۱۲/۲۴.

۷. سوره رعد، آیه ۱۱.

۸. سوره شوری، آیه ۳۸.

۹. «شرکت در انتخابات هم حق مردم است و هم تکلیف شرعی و واجب شرعی است. دشمنان ملت ایران هم با این به شدت مخالفند». بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۴/۳/۲۵.

زدن هم مراعات نمی کنند و خلاف نظام و انقلاب موضع گیری می کنند. فقط با تابلو و شعار انقلاب به میدان می آیند. مثلاً می گویند ما مطیع امر رهبریم، اما وقتی حضرت آقا دستور به مصرف کالای داخلی و یا حتی فتوای حرمت بر واردات کالای موجود ایرانی می دهند، باز مواد غذایی یا کالای مصرفی و لوازم خانگی که نمونه و مشابه ایرانی دارد وارد کنیم! و در زبان هم می گویند اطاعت از ولایت فقیه واجب است!

رای سفید در انتخابات ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس و شوراها محکوم است و اگر هیچ دلیل دیگری نباشد، اقدام دشمن شاد کنی است و همین اندازه محل ایراد و اشکال است و اقدام دشمن شاد کن، برخلاف خواست امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری است. این کلمه قصار امام راحل(ره) است که فرمودند: «آن روزی را که آمریکا از ما تعریف کند باید عزا گرفت.... معلوم می شود در ما اشکالی پیدا شده است. آن ها باید فحش دهند و ما هم باید محکم کارمان را انجام دهیم».^{۱۰} یا مقام معظم رهبری در ماجرای لیست انگلیسی خبرگان تصریح فرمودند: «در زمینه انتخابات، دشمنان دارند تلاش میکنند... مردم باید آگاه باشند و نقطه‌ی مقابل آنچه آنها میخواهند، عمل کنند».^{۱۱}

شبهه چهارم:

چرا رای بدهم وقتی اثری ندارد و بعد هم خرابکار از آب در می آیند! همه ما را فریب می دهند و رای می گیرند، اما هر سال بدتر از پارسال! به خصوص در وضعیت اقتصادی که کسی به فکر مردم نیست!

نکته اول: البته همیشه انتخابات به معنای اصلاح وضعیت اقتصادی نیست. اما می تواند به عنوان یکی از برنامه های کاندیداها به ویژه در انتخابات ریاست جمهوری، قرار گیرد. نماینده مجلس یا شورای شهر نمی تواند درباره مسایل کلان مسکن و آب رسانی و جاده سازی و... نقش اول را داشته باشد که بخواهد قولش را به مردم منطقه بدهد. بنابراین باید دقت کنیم با وعده های سنگین، فریب نخوریم و حدود و اختیارات نامزدها را بدانیم. اما در انتخابات ریاست جمهوری، سوال مورد نظر به جاست و مردم از رئیس جمهوری آینده بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی را انتظار دارند.

نکته دوم: گذشته از آنکه اصل شرکت در انتخابات و رای دادن، واجب عقلی و شرعی و سیاسی محسوب می شود و نتیجه آن در درجه دوم اهمیت است، باید دانست که نیت در رای دادن اقتصاد و معیشت نباشد؛ بلکه تقویت نظام اسلامی و رضای الهی باشد.

و نکته سوم اینکه باید سطح رضایت مندی مردم از وضع اقتصادی تعریف روشنی داشته باشیم و از کلی گویی پرهیزیم. اما در هر حال ما نیز می پذیریم که عموم مردم از نظر اقتصادی در وضع مطلوبی نیستند و با فقر و فساد و بیکاری دست و پنجه

۱۰. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۴۲.

۱۱. «در زمینه انتخابات، دشمنان دارند تلاش میکنند؛ میخواهند انتخابات آن جوری که آنها میخواهند برگزار بشود. البته تو دلشان این بود که انتخابات برگزار نشود؛ چند سال قبل از این در یک دوره ای تلاش هم کردند که بلکه بتوانند کاری کنند که انتخابات برگزار نشود؛ خدای متعال نگذاشت؛ از آن مایوسند و میدانند که سعی آنها برای متوقف کردن انتخابات کشور به جایی نخواهد رسید، لذا میخواهند اعمال نفوذ کنند در انتخابات و هر جور میتوانند انتخابات را خراب کنند؛ مردم باید آگاه باشند و نقطه‌ی مقابل آنچه آنها میخواهند، عمل کنند...اینکه ما عرض می کنیم بر روی انتخابات، مردم با بصیرت با آگاهی با دانایی وارد بشوند به خاطر این است که بدانند دشمن چه می خواهد؛ وقتی شما دانستید دشمن چه می خواهد عکس آن عمل خواهید کرد، معلوم است». بیانات در دیدار با مردم تبریز - ۱۳۹۴/۱۱/۲۸.

نرم می کنند و مقام معظم رهبری نیز در سال گذشته این مساله را به گونه های مختلفی به مسئولین تذکر داده اند و حتی تصریح فرمودند: «مردم گله مندند».^{۱۲}

اما پاسخ اصلی:

بخشی عظیمی از مشکلات اقتصادی معلول سبک زندگی و رفتار ما مردم و البته مسئولین به ویژه در «ولایت مداری» است. ما در بسیاری از عرصه های علمی، پزشکی، فناوری های نوین، هسته ای، دانش های بنیادین، علوم عقلی و فقهی و کلامی، عرصه های دفاعی و نظامی دریایی و هوایی و... پیشرفت داشته ایم، اما در عرصه اقتصادی پیشرفت چشمگیری نداشته ایم! چرا؟ چون هر جا به سخن رهبری عمل کردیم، پیشرفت حاصل شده و در جایی که توجه نکرده و جدی نگرفتیم، پیشرفتی نکردیم، بلکه متضرر هم شده ایم. همچنانکه در عرصه نظامی «قاسم سلیمانی» مطیع محض ولایت داریم، یک «قاسم سلیمانی» در عرصه اقتصادی می خواهیم. هم در بین مسئولین و هم در بین خود ما مردم که همچون سربازان ولایت عمل کنیم.

اما چه کنیم وقتی هشت سال است شعار اقتصادی می دهند و مردم و مسئولین اهتمام و اقدام جدی نمی کنند. حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف (سال ۸۸). همت مضاعف کار مضاعف (سال ۸۹)، جهاد اقتصادی (سال ۹۰)، تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی (سال ۹۱)، حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی (سال ۹۲) اقتصاد و فرهنگ، با عزم ملی و مدیریت جهادی (سال ۹۳)، اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل (سال ۹۵)، اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال (سال ۹۶).

حال آیا اگر مسئولین کوتاهی کردند، مردم وظیفه ای ندارند؟ چرا کالای ایرانی مصرف نمی کنیم؟ چرا اینقدر مصرف زده و اسراف داریم؟ در برق، آب، گاز، بنزین، نان، میوه و... که بی شک همه این موارد در گرو نوع نگاه ما به زندگی و توقع و سطح انتظارات ما از آن و در یک کلام «سبک زندگی» است که باز هم به این مساله در سال ۹۱ تصریح فرمودند. اما باز هم جز در حد چند کتاب و کنفرانس و همایش، اقدام عملی چه کردیم ثو با گذشت حدود پنج سال، چقدر به انتظارات رهبر انقلاب نزدیک شده ایم؟ متأسفانه به دنیا لذت طلبی و طاحت طلبی هستیم و از فرهنگ جهاد و مبارزه فاصله گرفته ایم. حضرت آقا جمله ای طلایی دارند که می فرمایند: «زندگی یک مبارزه است»^{۱۳} در حقیقت ترجمه آزادی از این آیه شریفه است که فرمود: «یا اَيُّهَا

۱۲. «این حضور مردمی در بیست و دوم بهمن را به حساب گلایه نداشتن آنها از فعالیتهای ما مسئولین به حساب نیاورید. مردم گله مندند؛ از بسیاری از چیزهایی که در کشور میگذرد، مردم گله مندند. مردم با تبعیض میانه ای ندارند؛ هر جا تبعیض ببینند، احساس ناراحتی و رنج میکنند. هر جا کم کاری ببینند همین جور، هر جا بی اعتنائی به مشکلات ببینند همین جور، هر جا پیش نرفتن کارها را ببینند همین جور؛ مردم گله مندند. بیست و دوم بهمن حساب خودش را دارد؛ ایستادگی مردم در مقابل دشمن کمین کرده ی برای بلعیدن ایران یک حرف است که این در بیست و دوم بهمن ظاهر شد، اما توقعات آنها از ما مسئولین یک حرف دیگر است». بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی - ۱۳۹۵/۱۱/۲۷.

۱۳. «زندگی یک مبارزه است. کل زندگی عبارت است از یک مبارزه بلند مدت؛ مبارزه با عوامل طبیعی، مبارزه با موانع اجتماعی، مبارزه با درون خود انسان که مبارزه با نفس است. انسان به طور دائم در حال مبارزه است. جسم انسان هم به طور دائم در حال مبارزه با عوامل مضر است؛ بیانات در خطبه عقد، ۱۳۸۱/۳/۸؛ مطلع عشق، ص ۲۹ - خانواده، ص ۶۴.

الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَأْتَهُ^{۱۴}». از همان آغاز که فرزندی به دنیا می آید، سختی هایش شروع می شود و هر چه بزرگتر می شود، مشکلاتش هم بزرگتر می شود. تا وقتی ازدواج می کند و دور جدیدی از سختی ها شروع می شود که باید به تنهایی به دوش بکشد؛ و این چرخه همین طور تا آخر دنیا ادامه دارد. البته زندگی لذت ها و شیرینی هایی دارد. «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^{۱۵}؛ اما به دلیل خاصیت این دنیا، معمولاً سختی ها غالب است و برای لذت چند ثانیه ای، باید رنج چند ساعته کشید.

بخشی از این رنج ها جسمی و برخی روحی است. در دسته بندی دیگر، بخشی اختیاری و بخشی غیر اختیاری و جبری است. اگر به قانون الهی تن ندهیم باید به قانون آفرینش و طبیعت تن بدهیم. اگر سختی های خدایی را نپذیریم، باید سختی های غیر خدایی و دنیایی را بپذیریم. خداوند اما پیشنهادی می دهد: رنج بکش، اما لذت بخش و پر فایده! مصداق بارز آن، جهاد نظامی است. سراسر ناامنی و رنج و اضطراب و ناراحتی. اما در نهایت آرامش و اطمینان و یقین و پراز اجر و مزد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُمْنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^{۱۶}.

مبارزه و جهاد یک زن چیست؟ خانه داری و همسر داری! رنج و سختی است اما پراز اجر و شیرین! و حالی که برخی زنان و دختران ما به دنبال مسئولیت های غیر ضروری و دلخواه خود می روند و در نقشی غیر از نقشی که برایشان تعریف شده، بازی می کنند. رنج هم می کشند، اما بی فایده! برخی از مردان و پسران ما نیز همینطور. برخی زنان مشغول کار در ادارات و کارخانه ها شده اند، و برخی مردان در خانه بیکار به دنبال فساد و اعتیاد!

ما هرگاه به دستور دین و رهبران آن عمل کردیم، هم رنج کمتری کشیدیم و هم نتیجه گرفتیم. اقتصاد مقاومتی، اصلاح الگوی مصرف و اصلاح سبک زندگی سخت است، اما شدنی و ممکن؛ چراکه آسانی ها در پی دارد.

پاسخ دیگری که می توان به این سوال انتخاباتی داد، اینکه: استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی هزینه دارد و به فرموده حضرت امام (ره) ملتی که برای استقلال خون داده، اهل مقاومت اقتصادی هم هست. اگر بخواهیم از منابع و ثروت های خود نیز استفاده کنیم، دشمن مانند مار زخم خورده، دوست ندارد آب خوشی از گلوی ما پایین برود. به فرموده حضرت امام (ره): کشوری که برای استقلال کشورش خون داده، مشکلات را هم باید تحمل کند.^{۱۷} وقتی از خانواده جدا می شوی که مستقل زندگی کنی، باید مشکلاتش را هم پذیرا باشی. کشوری که از وابستگی به شرق و غرب رها شده و به آزادی و استقلال دست یافته، باید روی پای خودش بایستد و چشم به دست بیگانگان ندوزد. در همه عرصه ها نه فقط اقتصادی! و این زحمت و رنج دارد.

۱۴. سوره انشقاق، آیه ۶.

۱۵. سوره شرح، آیه ۶ و ۵.

۱۶. سوره صف، آیات ۱۰ تا ۱۲.

۱۷. «مادامی که بخواهیم مستقل باشیم و زیر بار وابستگی نرویم، باید تحمل این مشکلات و قدرت مبارزه با آن را پیدا کنیم»؛ صحیفه امام، جلد ۱۷، ص ۲۴۲ و ۲۴۳.

راه حل برون رفت از این مشکلات اقتصادی دو نوع است: اول: التماس به بیگانه و وابستگی به کشورهای شرق و غرب! و دوم: استقلال و اعتماد ملی نسبت به باورها و اعتقاد به «ما می توانیم».

بنابراین، عمده راه حل مشکلات اقتصادی به دست خود ما مردم و مسئولین است. به ویژه مردم که باید در اصلاح الگوی مصرف، سبک زندگی اسلامی در درآمد و هزینه های شخصی (مانند پس انداز، صرفه جویی در آب و برق و گاز و تلفن همراه، برنج و نان، شب نشینی های غیر ضروری، لوازم آرایش و مسافرت های غیر ضرور، چشم و همچشمی و...) مراقبت و ملاحظه داشته باشیم. در این صورت، بسیاری از مشکلات قابل تحمل خواهد بود و زیر بار تحریم و فشارهای اقتصادی داخل و خارج، کمر شکسته نمی شویم و نظام اسلامی را از سال های موقت رنج و سختی عبور می دهد تا در آینده ای نزدیک لااقل در زندگی فردی خود با مشکلات اقتصادی کمتر مواجه شویم.

البته یادآور می شویم این همه به معنای تبرئه مسئولین نیست و آنان را در مشکلات اقتصادی کشور اعم از وضع معیشتی، مسکن و ازدواج و... مسئول می دانیم و همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند از کم کاری مسئولین گله مندیم و باید به مسئولی رای دهیم که درد مردم را بفهمد و به فکر معیشت مردم نیز باشد.^{۱۸}

شبهه پنجم:

چرا باید به اصلح رای داد در حالی که تمام این افراد را نظام و شورای نگهبان مهر تایید زده است؟!

ما همانطور که در سایر عرصه های زندگی سعی می کنیم بهترین را انتخاب کنیم، در بین گزینه های انتخابی نیز باید بهترین را انتخاب کنیم.

همچنان که در موضوع رای سفید اشاره شد، شرکت کنندگان باید تلاش کنند تا انتخابشان به نفع نام و انقلاب تمام شود. بنابراین در بین افراد کاندید، باید به کسانی رای دهند که معیارهای نظام و انقلاب و رهبری نزدیک تر هستند؛ چراکه تایید شورای نگهبان در انتخابات ریاست جمهوری، به معنای این است که این افراد حداقل شرایط را برای اداره کشور دارند، و این تکلیف دیگران است که از بین نامزدها بهترین را برگزینند. به ویژه آنکه با شرایط فعلی انقلاب و در شرایط بغرنج ناامنی فرهنگی، سیاسی

۱۸. یکی از مواردی که در اصلاح مدیریت اقتصاد خانواده موثر است، افزایش جمعیت و فرزند آوری است و از نظر روانشناسی تعداد جمعیت بیشتر در مدیریت صحیح مصرف تاثیر مستقیم دارد. (ر.ک: ایران جوان بمان، ص ۸۵ و ۸۶ و ۱۴۰). کسانی که تجربه کرده اند اذعان دارند که در مقایسه بین دو خانواده ای که درآمد یکسانی دارند، اما یکی از آنان جمعیت کمتر و دیگری جمعیت بیشتری دارد، در انتهای ماه، مانده پول هر دو یکسان و حتی گاه خانواده پر جمعیت وضع بهتری دارد؛ چون خانواده پر جمعیت، مدیریت اقتصادی بهتری دارد و این نشان از تاثیر جمعیت در بهبود وضعیت اقتصادی خانواده ها دارد و نظریه مالتوس را در این زمینه به تجربه مهر مردود می زند. (توماس مالتوس در سال ۱۷۹۸ رساله ای درباره اصول جمعیت منتشر کرد. وی در این کتاب معتقد بود جمعیت به صورت تصاعد هندسی و مواد غذایی و وسایل معیشت نیز به صورت تصاعد حسابی افزایش می یابد و این امر موجب افزایش بیش از حد جمعیت خواهد شد. مالتوس پیش بینی کرد: میان جمعیت و مواد غذایی، جنگ، بیماری طاعون و قحطی برقرار می شود. اما پیش بینی های وی به دلیل نوآوری های فناوری در کشاورزی و وسایل ضد بارداری در جوامع پیشرفته به حقیقت نپیوست. مبانی جامعه شناسی، بروس کوئن، فصل پانزدهم، ص ۳۴۶).

و اقتصادی و نیاز شدید به تقویت باورها و ارزشها در ایران اسلامی و تقویت و صدور انقلاب اسلامی، نباید به حداقل ها اکتفا کرد و به فرموده رهبر انقلاب امروز روزی نیست که به حداقل ها اکتفا کنیم.^{۱۹}

بهترین راه تشخیص اصلح، مراجعه به سخنان حکیمانه رهبر انقلاب است تا آنچه مورد نظر ایشان است اتفاق بیفتد که به یقین برای کشور بهتر است. از جمله فرمودند: «در درجه اول انسان های مومن و با ایمان را انتخاب کنید. تبلیغات دشمنان و پیروان آنها در راستای کمرنگ کردن ایمان در جامعه است.... اگر ایمان نباشد، لیاقت و کارآیی هم به کار نخواهد آمد. فردی که لایق تر است اگر ایمان نداشت، بیشتر دزدی می کند و لطمه می زند».^{۲۰} البته نباید گفت مگر کاندیداها بی دین اند که با ایمانشان را پیدا کنیم؟ باز منظور ایمان حداکثری است. کسی که اطلاعات دینی کافی و مورد نیاز را برای تقوای خود و اداره کشور داشته باشد یا اگر از این اطلاعات بی بهره است، با علما و روحانیون مطمئن ارتباط موثر داشته باشد.

یا در جای دیگر فرمودند: «بهترین کیست؟... شاخص هایی وجود دارد: بهترین آن کسی است که درد کشور را بفهمد، درد مردم را بفهمد، با مردم یگانه و صمیمی باشد، از فساد دور باشد. دنبال اشرافیگری خودش نباشد.... مردمی باشند، ساده زیست باشند... این از نظر من شاخص مهمی است».^{۲۱}

بنابراین مهمترین شرط در افراد کاندیدا در همه انتخابات ها، ایمانی بودن و اهتمام به امور مردم است که در بین شعارها و سخنرانی ها و گفتگو ها نمایان خواهد بود که با تحقیق و پرس و جو، این مهم نیز قابل حل است.

شبیه ششم:

چرا رهبر معظم انقلاب از مخالفین هم درخواست حضور در انتخابات دارند؟ آیا این التماس به مخالفان و ضد انقلاب ها، نشانه ضعف نظام نیست؟ انتخابات در هر کشوری، مظهر دموکراسی و در تمام کشورها برای مردم آن کشور یک واجب سیاسی است. یعنی صرف نظر از دین و آیین افراد شرکت کننده، کشور و ملیت در درجه اول اهمیت قرار دارد و هر یک رای، یک پشتوانه برای آن کشور محسوب می شود.

در نظام اسلامی نیز بنابر قانون، برای رای دهندگان شرط دینی و اعتقادی قرار نداده اند و این یعنی هر کس به سرنوشت کشور خود علاقمند است، می تواند در انتخابات شرکت کند و این همان حقی است که در پاسخ به پرسش اول توضیح داده شد و برای انقلابی و غیر انقلابی و حتی ضد انقلابی وجود دارد. البته بدیهی است که شرکت در انتخابات یعنی تایید نظامی که از ایرانی بودن جدا نیست.

بسیاری از علاقمندان به انقلاب اسلامی در کشورهای دیگر هستند که دوست دارند برای تقویت جمهوری اسلامی در انتخابات ایران شرکت کنند و آنان هم در تقویت این نظام سهمی داشته باشند، اما نمی توانند. سعادت برای ملتی است که بتواند در

۱۹. «شما در بین این افراد صالح، بگردید و صالح ترین را پیدا کنید. اینجا جایی نیست که من و شما بتوانیم به حداقل اکتفا کنیم. دنیا حداکثر باشید. بهترین را انتخاب کنید»؛ بیانات در جمع مردم کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۲.

۲۰. بیانات در دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۶.

۲۱. بیانات در جمع مردم کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۲.

چارچوب دین در مورد کشورش تصمیم گیری داشته باشد. برخلاف کشورهای دیگر که هم نظامشان مشروعیت دینی ندارد، و هم انتخاباتشان فرمایشی و نمایشی است و هم درصد شرکت کنندگان بسیار اندک است و نهایتاً از ۳۵ تا ۶۰ درصد واجدین شرایط رای می دهند.^{۲۲} با اینکه در برخی کشورها انتخابات اجباری است!^{۲۳} در ایران میانگین شرکت کنندگان در دوره های مختلف انتخابات مجلس از ۵۱ تا ۷۱ درصد واجدین^{۲۴} و در انتخابات ریاست جمهوری از ۵۰ تا ۷۹ درصد واجدین شرایط بوده است.^{۲۵}

با این حساب باید گفت: کسانی که در انتخابات شرکت نمی کنند، خود را از حق و فرصت کم نظیر مشارکت سیاسی محروم کرده اند. روشن است که هر چه پشتوانه مردمی نظام ضعیف تر باشد، امنیت آن نظام به مخاطره می افتد و شرایط امروزه به گونه ای نیست که بنشینیم و بگوییم من از حق خود گذشتم و رای نمی دهم! چون عدم حضور ما، ولو آنکه مخالف نظام جمهوری اسلامی باشیم، یعنی چراغ سبز به دشمنی که اطراف ایران را محاصره کرده و در سوریه و عراق با خط مقدم ایران اسلامی، در حال مبارزه است. این ناامنی حتی برای مخالفان نظام - البته از بین مردم نه منافقین - مطلوب نیست.

شبیه هفتم:

نظام، رئیس جمهور از قبل مشخص کرده و انتخابات فقط نمایش سیاسی برای نظام است. اگر هم رای بدهیم بالاخره کسی را که می خواهیم سر کار می آورند و رای مردم را دستکاری می کنند.

اولاً: با ساز و کاری که نظام تعیین فرموده از جمله وجود نمایندگان کاندیداها در شعب اخذ رای و حضور آنان تا پایان شمارش آراء، احتمال تقلب هم مردود است چه رسد به دستکاری و تحریف و فرمایشی بودن انتخابات. یعنی ضمانت عدم تحریف و دستکاری آراء مردم، وجود شورای نگهبان به عنوان ناظر انتخابات است و وزارت کشور به عنوان مجری برگزار کننده انتخابات است که راهمایی قانونی نیز برای اعتراض و پی گیری آراء توسط نمایندگان کاندیداها وجود دارد و شائبه تقلب و جابجایی و گم شدن رای و امثال آن پیش نمی آید و اگر در مواردی اتفاق افتاده باشد، بسیار نادر و با تغییر نه چندان محسوس در نتیجه آراء بوده است.

ثانیاً: تجربه انتخابات قبلی نشان داده که پیش بینی دوست و دشمن در فرد انتخاب شوند، علاوه بر آنکه وحدت نظری وجود نداشته، در بسیاری از موارد درست نبوده و رای مردم تعیین کننده نهایی است. نمونه های بارز آن در انتخابات ریاست

۲۲. گزارش فارس نیوز، ۱۳/۱۲/۱۳۹۰.

۲۳. در اغلب قریب به اتفاق دموکراسی ها رای دادن آزاد است. تنها در شمار بسیار اندکی اجباری است و یا رای ندادن جریمه دارد. در استرالیا و بلژیک کسانی که رای ندهند، جریمه می شوند. در ایتالیا بر روی شناسنامه کسانی که رای ندهند، مهر «رای نداده» می زنند، که گاه مشکلاتی برای استخدام دولتی آنها و یا بهره برداری از مزایای دولتی ایجاد می کند. در کشورهایی که انتخابات به صورت نمایشی برگزار می شود، غالباً شرکت در انتخابات اجباری است. مانند انتخاباتی که در زمان صدام در دهه ۹۰ میلادی در کشور عراق برگزار نمود که در آن مردم مجبور بودند در انتخابات شرکت کنند. در لیبی و دوران حکومت معمر قذافی نیز انتخابات اجباری وجود داشت. همچنین در کشورهایی که حکومت های کمونیستی بر آنها مسلط بوده است، انتخابات اجباری برگزار می شده است. عدم شرکت در انتخابات در این کشورها موجب محرومیت بسیاری از حقوق اساسی افراد می گردیده است. اکنون این نوع انتخابات نمایشی در دنیا به ندرت دیده می شود. (مقاله: بررسی مقایسه ای قانون انتخابات در کشورهای مختلف - پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۹۴/۱۰/۲۳)

۲۴. گزارش فارس نیوز، ۱۳/۱۲/۱۳۹۰.

۲۵. فارو، ۱۳۸۸/۲/۲۶ - کد خبر: ۲۵۱۷۲.

جمهوری در سال های ۷۶، ۸۴ و ۹۲ است که فرد انتخاب شونده، برخلاف گرایش سیاسی دولت و نیز پیش گویی ها و گمانه زنی های رادیوهای بیگانه و شبکه های ماهواره ای، بر مسند خدمت نشست.

ثالثا: امروزه دیگر حتی دشمنان اصل انتخابات در نظام اسلامی را پذیرفته و از فرمایشی بودن آن سخن نمی گویند، بلکه سعی می کنند با معرفی و حمایت از کاندیدای خاصی که به گمانشان می تواند آنان را به رویاهایشان نزدیک کند، آراء مردم را جهت دهی می کنند. حتی برخی مخالفان نظام نیز علیرغم تحریم انتخابات از سوی همفکرانشان، باز در انتخابات شرکت می کنند و احتمال تقلب نمی دهند و امید دارند کاندیدای مورد نظرشان رای بیاورد.

بنابراین باید نسبت به این گونه سخنان بی اساس که فقط با نقل و تکرار زیاد و القاء شیاطین انسی در برخی اذهان نهادهی می شوند، بی اعتنا بود و نعمت بزرگ اعتماد متقابل و وحدت و همدلی مردم و نظام را قدر دانست و تنها به خوشنودی رهبر معظم انقلاب اندیشید و خواست ایشان را مقدم کرد.

ناگفته نماند تاثیر گذاری این شبهات همزمان با ضعف اعتقادی نسبت به مبانی انقلاب و خط امام و رهبری اتفاق می افتد که تبیین آنها از مهمترین وظایف روحانیون، مسئولان فرهنگی و رسانه هاست.

خلاصه شبهات انتخاباتی:

یک: انتخابات در نظامی که ولایت فقیه دارد چه معنی دارد؟ چرا رهبر رئیس جمهور را انتخاب نمی کند؟

پاسخ: انسان ها آزاد آفریده شده اند و خدا و پیامبرش نیز آنها را مجبور به انجام کاری نمی کند؛ چه رسد به رهبر و مجری قانون.

دو: با انتخاب خود، شریک گناه آن مسئول می شویم. پس شرکت نمی کنیم.

پاسخ: ما مامور به تکلیف خود هستیم و میزان حال فعلی افراد است. ما باید با نیت تقویت نظام اسلامی، به فرد اصلح رای بدهیم. اگر کوتاهی نکرده باشیم، اگر رای نیاورد ماجوریم و اگر رای بیاورد و دچار خطا و گناهی شود، مسئول گناه و اشتباه او نیستیم.

سه: در انتخابات شرکت می کنیم اما رای سفید می دهیم، چون نمی دانیم کدامشان مفیدند!

شرکت در انتخابات و رای سفید دادن، یک دوگانگی است. یعنی: من نظام را قبول دارم و تایید می کنم، اما افرادی که نظام تایید کرده قبول ندارم!

چهار: چرا رای بدهم وقتی کاری نمی کنند و همه شان خرابکار از آب در می آیند! به خصوص در وضع اقتصادی کسی کاری نمی کند.

ریشه مشکلات اقتصادی از عدم اطاعت مردم و مسئولین از رهبری نظام است؛ چراکه ایشان هفت سال شعار اقتصادی می دهند، اما خودمان آنها را رعایت نمی کنیم و اهمیت نمی دهیم؛ چه رسد به مسئولین. البته باید مطالبه کرد و کم کاری مسئولین را تذکر داد.

پنج: چرا باید به اصلح رای داد وقتی شورای نگهبان همه را تایید کرده است؟

هیچ عاقلی در زندگی به کم و حداقل بسنده نمی کند. در عرصه سیاست نیز برای پیشرفت و تحول نظام اسلامی، مانند سایر عرصه های زندگی، باید بهترین را انتخاب کرد.

شش: چرا رهبر انقلاب می گویند حتی مخالفان هم رای بدهند؟ این نشانه ضعف نظام نیست؟

پاسخ: شرکت در انتخابات، به معنای تایید و تقویت جمهوری اسلامی است. تضعیف نظام علاوه بر آنکه حرام شرعی است، چراغ سبز و امید دادن به دشمن برای ضربه زدن به نظام است.

هفت: نظام، رئیس جمهور از قبل مشخص کرده و انتخابات فقط نمایش سیاسی برای نظام است. دیگر چرا رای بدهیم!

پاسخ: ساز و کارهای پیش بینی شده در قانون، مانع هرگونه تخلف انتخاباتی است و در صورت اعتراض، باز هم راهکار قانونی وجود دارد. علاوه بر آنکه دشمن نیز خود به هدایت آراء مردم می پردازد و از سیاست تحریم انتخابات ناامید شده و حتی مخالفان نظام نیز به امید رای آوری کاندید مورد نظرشان در انتخابات شرکت می کنند.



دفتـر فرهنگـی ۵۷

احیای تفکر امام و رهبری

کانال تلگرام: @farhangy57